

## عوامل واگرایی ایران و عربستان در منطقه خلیج فارس در افق همکاری‌های جدید

محمد رضا کمالی<sup>۱</sup>، امیرحسین الهامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

### چکیده:

جمهوری اسلامی ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس از ظرفیت‌هایی برای کنش منطقه‌ای با تاثیر در معادلات جهانی برخوردار هستند که در همین جهت نیاز است دو کشور با بازنگری در روابط، جدیت لازم را برای بهرمندی از شرایط گذار برای تامین اهداف ملی خود مهیا نمایند. از آنجایی که عوامل ژئوپلیتیکی می‌تواند پایه‌ای برای رقابت یا تقابل محسوب شود لذا این پژوهش با هدف تعیین عوامل واگرایی دو کشور انتخاب شده است. روش پژوهش توصیفی، تحلیلی است که به صورت کاربردی انجام شده است. برای انجام پژوهش با انجام مطالعات نظری ژئوپلیتیکی کشورهای عربستان و ایران پرسشنامه‌هایی در دو مرحله تنظیم و به جامعه آماری ۳۶ نفری (به صورت تمام شمار) ارائه و پس از اخذ نظرات، نسبت به پردازش داده‌ها اقدام شده است. در تحلیل آماری از جداول توزیع فراوانی، آزمون تی استودنت یک نمونه‌ای و آزمون میانگین‌ها بهره گرفته شده و بر همین مبنا ۲۰ عامل برای جوابگویی به سوال تحقیق به استناد نظریات توازن قوا و منازعه و براساس کلان عوامل ژئوپلیتیکی سیاسی، اقتصادی، فناورانه، طبیعی و نظامی دو کشور در حوزه خلیج فارس در قالب ادبیات تحقیق شناسایی که نهایتاً بعد از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به ترتیب اولویت، کلان عامل سیاسی باهفت زیر عامل، نظامی با چهار زیر عامل طبیعی با سه زیر عامل، فناورانه با دو زیر عامل و اقتصادی با پنج زیر عامل از مهمترین عوامل ایجاد واگرایی بین دو کشور مشخص شدند.

**واژگان اصلی:** واگرایی منطقه‌ای، عوامل ژئوپلیتیکی، خلیج فارس، ژئوپلیتیک انتقادی.

## مقدمه

امروزه ژئوپلیتیک علاوه بر توجه به تأثیر عوامل جغرافیایی، به مطالعه نقش مؤثر مؤلفه‌های قدرت ملی در تدوین سیاست‌ها و روابط بین کشورها در عرصه نظام بین‌الملل می‌پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۲۶۰)، در این بین برخی حتی عامل جغرافیایی را همچنان یکی از عوامل تعیین کننده در راهبردهای کشورها می‌دانند و معتقد هستند که سیاست‌های دفاعی و راهبردی کشورها تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی آنها قرار دارد. (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴، ۹۷). هر منطقه ژئوپلیتیکی ویژگی‌های خاص خود را دارد به نحوی که هویت آن منطقه را مشخص می‌کند. کشورهای که در مناطق مشترک ژئوپلیتیکی قرار دارند با تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای، اتحادیه‌ها و ترتیبات امنیتی، سعی در حفظ امنیت ملی و منافع خود در پیوند با کشورهای همجوار دارند. شکل‌گیری ترتیبات امنیتی زمینه را برای همیاری و مشارکت منطقه‌ای به منظور حفظ امنیت منطقه و در نتیجه امنیت کشورهای منطقه فراهم می‌کند. در این میان حوزه خلیج فارس به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و اهمیت راهبردی آن در تأمین انرژی جهان همواره یکی از کانون‌های مناقشه و نزاع در تاریخ معاصر جهان بوده نیز از این امر جدا نیست. تحولات سال‌های اخیر در نظام بین‌الملل و به‌ویژه در سطح منطقه خلیج فارس موجب تشدید بی‌نظمی در ژئوپلیتیک غرب آسیا شده، که در این راستا برخی از کنشگران اصلی را در منطقه به سمت ائتلاف‌سازی در برابر تهدیدات مشترک سوق داده است (ژناروید اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۰).

مهمترین ویژگی امروز منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، در کنار هویت اسلامی مردم، وجود منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز آن است که نظر کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای صنعتی و عمده مصرف‌کننده نفت و گاز را به خود جلب کرده است. کشورهای حوزه خلیج فارس به دلیل همجواری با پهنه آبی و سهم بودن در مسائل آن و داشتن اشتراکات جغرافیایی فراوان تشکیل یک "منطقه ژئوپلیتیکی" را می‌دهند، در واقع خلیج فارس نشان دهنده الگوی یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیک است این منطقه در برگیرنده ملت‌هایی است که از نظر فرهنگی تفاوت‌هایی دارند، ولی از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی از شباهت‌هایی برخوردارند.

با توجه به اینکه منطقه یا حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در برگیرنده هشت کشور با وزن‌های ژئوپلیتیکی متفاوت است و از طرفی به دلیل اهمیت جهانی منطقه خلیج فارس و اینکه به عنوان هارتلند انرژی جهان شناخته شده است، کشورهای منطقه تحت تأثیر عوامل دیگری نیز قرار دارند، که همین امر موجبات اهمیت پیچیدگی خاصی برای منطقه شده است. حضور بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز بر این پیچیدگی افزوده و نوعی محیط متزلزل و شکننده را به وجود آورده

است که با هرگونه تغییر و تحول جدید، می‌تواند جرقه‌ی بی‌ثباتی را به وجود آورده و زمینه را برای ظهور تهدیدات امنیتی فراهم کند. تحولات سال‌های اخیر در نظام بین‌الملل و به‌ویژه در سطح منطقه، برخی از کنشگران اصلی را به سمت ایجاد همکاری مشترک در برابر تهدیدات مشترک سوق داده است. این کشورها تلاش می‌کنند تا متناسب با علائق ژئوپلیتیکی خود، اقدام به شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های پیشروی امنیت ملی خود کرده، نسبت به اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای توجه به منافع ملی خود اقدام نمایند.

اکثر کشورهای حوزه خلیج‌فارس از جمله کشورهای هستند که گام‌های جدی را در روند بازنگری در روابط خود با همسایگان در این برهه زمانی برداشته‌اند، که عربستان سعودی، و ایران نیز از این امر مستثنی نیستند. در این بین تلاش‌های عربستان سعودی و ایران به عنوان بازیگران مؤثر در تحولات منطقه گویای این مطلب است که این کشورها درصدد هستند تا جایگاه مهم‌تری نسبت به گذشته در تحولات آسیای جنوب غربی به دست آورند و نقش مؤثرتری در بحران‌های آن ایفا نمایند.

جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن سیاست خارجی مبتنی بر تعامل با همسایگان عرب حوزه خلیج‌فارس، وارد روابطی چند بعدی و پیچیده شده است. از آنجایی که، یکی از عوامل شکل‌گیری فهم مشترک از همکاری‌های دو جانبه علائق ژئوپلیتیک می‌باشد در تحقیق حاضر تلاش شده تا با تمرکز بر مفهوم «علائق ژئوپلیتیکی»، عوامل تضاد ساز بین ایران و عربستان شناسایی تا با کم رنگ نمودن آنها نیل به فضای تعامل هموارتر گردد.

با وصف آنچه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش تعیین عوامل واگرایی ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در منطقه خلیج فارس در افق تعاملات جدید است، که متناظر با آن سوال پژوهش نیز ارائه شده است. این پژوهش بعلاکت اکتشافی بودن فرضیه ندارد و از اهمیت و ضرورت آن این است که چون علائق ژئوپلیتیک ۱ اشاره به پیگیری منافع و قرار دادن قدرت سیاسی کشورها بر روی عوامل جغرافیایی دارد. در نتیجه شناخت مؤلفه‌هایی همچون عوامل سیاسی، اقتصادی، تجاری، علمی، فناوری، زیست‌محیطی، اقلیم، منابع طبیعی، راه‌های ارتباطی، مختصات دولت و به‌طور کلی مبانی جغرافیایی منطقه خلیج فارس، و کارکردهای آنها اهمیتی مضاعف می‌یابد. از سوی دیگر، ضرورت دارد تا با شناخت علائق ژئوپلیتیکی حوزه خلیج‌فارس، به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کمک شود تا به ترسیم و تدوین سیاست‌ها و راهبردهای متناسب، در جهت نیل به منافع ملی اقدام نمایند.

<sup>1</sup> Geopolitical Intrests

## ۱. پیشینه تحقیق

بعثت اگرچه نورمحمدی و سیفی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان بنیان‌های فرهنگی منازعه ایران و عربستان، بیان داشته‌اند ایران و عربستان سعودی، تقریباً از دهه ۱۹۵۰ به این سو، یکدیگر را به عنوان یک رقیب در نظر گرفته‌اند. هراس این دو کشور متأثر از معنای غیرواقعی است که آن‌ها به مبانی و مؤلفه‌های فرهنگی یکدیگر بخشیده‌اند. در اثر این معنادهی، منظومه‌ای از معنا در ذهن آنان بر ساخته گردیده است که می‌توان آن را یک «گفتمان» نامید. این گفتمان از مجموعه‌ای عناصر چون مذهب، قومیت، ماهیت نظام سیاسی تشکیل شده است. دوگانه‌سازی عرب/عجم، دگرسازی شیعه/سنی، الگوپردازی مداخله و رویکرد محافظه‌کاری/انقلابی از بنیان‌های فرهنگی منازعه در روابط ایران و عربستان است.

فارسی و دشتبانی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان ریسک ژئوپولیتیک، نااطمینانی اقتصادی و تغییر رژیم تولید نفت؛ مطالعه موردی ایران و عربستان سعودی، تلاش کرده‌اند که تاثیر نااطمینانی‌های اقتصادی و ریسک ژئوپولیتیک بر تولید نفت دو کشور ایران و عربستان سعودی مورد ارزیابی قرار دهند. در هر دو کشور مورد بررسی دو رژیم سعودی و نزولی تولید نفت قابل مشاهده است. همچنین نااطمینانی اقتصادی و ریسک ژئوپولیتیک در هر دو رژیم بر تولید نفت ایران و عربستان سعودی اثر نامطلوب دارد.

حافظ نیا و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله بررسی و تحلیل منازعات میان ایران و عربستان (مطالعه موردی: یمن) اذعان دارند جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ویژگیها و ظرفیتهای خود، دو کشور تعیین کننده و مهم در منطقه محسوب میشوند. با شکلگیری انقلاب اسلامی ایران، زمینه بروز رقابت و منازعه میان دو کشور شکل گرفته و سایر فضاهای همجوار را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از مهمترین فضاهای مذکور، کشور یمن است که بواسطه عواملی همچون همجواری با عربستان، بهار عربی، تعداد قابل ملاحظه جمعیت شیعیان، قدرتگیری احزاب و گروه های شیعی، موقعیت ژئواستراتژیک و... در حوزه علائق ژئوپلیتیکی دو قدرت منطقه ای قرار گرفته است. منازعه دو کشور در یمن ریشه های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی دارد.

تحقیقاتی بسیاری در حوزه روابط ایران و عربستان انجام شده، ولی توجه و تحلیل تحولات جدید از نوآوری های این مقاله محسوب می شود.

## مفهوم شناسی

### ژئوپلیتیک

ریشه مفهوم ژئوپلیتیک به زمانی بازمی‌گردد که رابطه قدرت و سرزمین مشغله ذهنی متفکرانی چون ارسطو<sup>۱</sup>، و ژان بدن<sup>۲</sup> شد (لادیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۱۶-۲۰).

ژئوپلیتیک به لحاظ کاربردی، دارای قابلیت‌ها و امکاناتی است که باعث قوام یافتن سایر بخش‌های نظری و عملی حوزه روابط بین‌الملل شده است. ساماندهی سیاسی فضا در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای، تجزیه و تحلیل تأثیرپذیری تصمیمات و کنش‌های سیاسی و فرایند قانون‌گذاری از متغیرهای محیطی و فضایی، ارزیابی موقعیت ژئوپلیتیک کشورها و سنجش مستمر قدرت ملی به‌منظور پیش‌گیری از بروز فشارهای بین‌المللی و کنترل مستمر تحول متغیرهای سرزمینی، فضایی و ملی به‌منظور تأمین حداکثری امنیت ملی در رابطه با تحولات پویای ژئوپلیتیک جهانی نمونه‌ای از کاربردهای این مفهوم است (سورین<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰: ۶۵). با توجه به تعاریف فوق، تعریف مورد وثوق پژوهش حاضر از مفهوم ژئوپلیتیک بدین شرح می‌باشد: «ژئوپلیتیک عبارت است از توجه به سرشت پویای سیاست و قدرت و روابط متقابل آن‌ها در بستر جغرافیا و کاربرد حداکثری از فضاها، انضمامی و انتزاعی در جهت پیشبرد اهداف کلان یک واحد سیاسی در ارتباط مستمر با علائق، عوامل و حوزه‌های جغرافیایی هدف».

### علائق ژئوپلیتیک

مکان‌ها و فضاها جغرافیایی دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های خاصی هستند و منابع و مزیت‌ها نیز در سطح جهان به‌طور متعادل پخش نمی‌باشند. به عبارتی الگوی پخش عرضه مزیت‌ها و نیز تقاضای مزیت‌های جغرافیایی نامتعادل است. از این‌رو مکان‌ها و فضاها جغرافیایی و به دنبال آن گروه‌های انسانی ساکن در آن‌ها، ملت‌ها و حکومت‌ها به یکدیگر نیازمند و وابسته می‌شوند. همچنین مزیت‌های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده‌ای برخوردار است و برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن

1 Aristotle

2 Jean Bodin

3 Ladis

4 sorin

برخوردارند و برخی از آن‌ها آن را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۹۶: ۱۱).  
در تعریفی دیگر مهم‌ترین و شاخص‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در اتخاذ سیاست‌های راهبردی یک کشور عبارت‌اند از تنوع در مرزها، دسترسی یا عدم دسترسی به آب‌های آزاد، تعداد همسایگان، و برخورداری از جایگاه کشوری در مجموعه نظام بین‌الملل (صیادی و سنایی، ۱۳۹۶: ۸۹). در پژوهش حاضر عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر تبیین محیط و علائق ژئوپلیتیکی کشورهای مورد مطالعه بدین قرار است:

«عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی داخلی، عوامل سیاسی بین‌الملل و عوامل نظامی» (افشردی، ۱۳۸۶: ۷). در کنار این عوامل به بررسی عامل فناورانه نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای نوظهور در حوزه ژئوپلیتیک نیز خواهیم پرداخت که چشم‌انداز نظری نوینی در مطالعات بین‌رشته‌ای ایجاد کرده است (دانیلین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۴۲۰).

### منطقه ژئوپلیتیک

منطقه به‌عنوان زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار می‌باشد و بر پایه خصیصه‌های ساختاری و یا کارکردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌گردد. بنابراین منطقه ژئوپلیتیکی ناحیه‌ای کم‌وبیش محدود از وحدت نسبی یا ساختاری برخوردار بوده و از سایر نواحی متمایز می‌باشد. چنین ناحیه‌ای بسته نبوده و توسط عوامل و بازیگران مختلف دائماً تولید و بازتولید می‌شود. (جونز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۱۷۴).

بنابراین ضمن توجه به تعاریفی که ارائه شد در تحقیق حاضر، تعریف موردنظر پژوهشگر که در این پژوهش از قابلیت استنادی بیشتری برخوردار است عبارت است از «از ناحیه‌ای جغرافیایی با مختصات هم‌چون قابلیت تحول و پویایی قدرت سیاسی، تجانس ساختاری و کارکردی و هویت متمایز که در بستر دریا، خشکی و یا تلفیقی از هر دو قرار گرفته و توسط عوامل و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مورداستفاده قرار می‌گیرد». حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس یکی از شش حوزه پیرامونی مجاور جمهوری اسلامی ایران شامل کشورهای ج. ا. ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات، قطر، بحرین و عمان می‌باشد (صفوی، ۱۳۸۱: ۷۰).

1 Danilin

2 Jones

## ژئوپلیتیک انتقادی

ژئوپلیتیک انتقادی به دنبال بازتعریف مفروضات ژئوپلیتیک سنتی است و استدلال می‌کند که مفهوم فضا تنها محدود به سرزمین‌ها و مرزهای جغرافیایی نیست و در عصر فناوری ارتباطات و اطلاعات، باید پایه و اساس متفاوتی برای مباحث جغرافیای سیاسی ایجاد کرد. از نظر معتقدان به این دیدگاه، مسئله اصلی این نیست که جغرافیا و یا مرزها دیگر مهم نیستند بلکه اتخاذ رویکرد انتقادی به پژوهشگران کمک خواهد کرد تا از محدودیت‌های ژئوپلیتیک سنتی<sup>۱</sup> و «دام سرزمینی»<sup>۲</sup> فراتر رفته و درک جامع‌تری از فضاهای پیچیده قدرت به دست آورند (رودهون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۲۱).

بر این اساس، ژئوپلیتیک انتقادی<sup>۴</sup> تلاش می‌کند با محوریت قرار دادن فناوری، دولت‌ها را از قلب نظریه‌های ژئوپلیتیک خارج کرده و در مشروعیت مرزهای جغرافیایی به‌عنوان تنها واحد مشروع تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک تجدیدنظر کند. بر این اساس فناوری‌های جدید با قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند دولت‌ها را در شکل‌دهی و تغییر شکل مرزهای جغرافیایی طبیعی یاری کنند و گفتمان غالب را به چالش بکشند. نتیجه به چالش کشیدن مفروضات سنتی توسط ژئوپلیتیک انتقادی، تولد حوزه نوینی در مطالعات جغرافیایی به نام ژئوپلیتیک فناورانه<sup>۵</sup> بوده است که موضوع مطالعه خود را بررسی رابطه بین قدرت، سیاست و فناوری قرار داده است (تواتیل<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹: ۱۳۰).

### نظریه منازعه:

یکی از مباحث مطرح در نظریه‌ها و مکاتب روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، بحث سرچشمه‌های منازعات و مناقشات بین دولت‌هاست. از آنجاکه تنش و منازعه بین دولت‌ها و حکومت‌ها همواره در سطوح و ابعاد مختلف رخ داده و در آینده نیز شاهد آن خواهیم بود، صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مکاتب مختلف روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک به شیوه‌های مختلف سعی کرده‌اند ریشه‌ها و عوامل ایجادکننده مناقشات بین‌المللی را شناسایی و تبیین نمایند. مکاتب‌های فکری و فلسفی مطرح در

- 1 Traditional geopolitics
- 2 territorial trap
- 3 Rodhun
- 4 Critical geopolitics
- 5 Techno-Geopolitics
- 6 Twoetil

روابط بین‌الملل بر اساس رهیافت و رویکردی که نسبت به تحلیل مسائل جهانی دارند، درزمینه‌ی بروز اختلاف و کشمکش میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به ارائه دیدگاه خود پرداخته‌اند و نظریه منازعه<sup>۱</sup> را بسط داده‌اند.

واقع‌گرایان ریشه و علل منازعه را در سرشت و رفتار انسان می‌دانند و معتقدند کشورها نیز مانند انسان‌ها در تأمین منافع خود حریص و آزمند هستند. در نتیجه این ماهیت خودخواه و قدرت-طلب انسان‌ها و کشورها موجب منازعه و جنگ می‌شود. نو واقع‌گرایان، بسیاری از مفروضه‌های سنتی واقع‌گرایی همچون کشورمحوری، قدرت‌محوری، و منفعت‌طلبی کشورها را می‌پذیرند اما استدلال می‌کنند که علی‌رغم اعتقاد واقع‌گرایی کلاسیک، ریشه منازعه و جنگ میان کشورها در ساختار نظام بین‌الملل نهفته است نه در سرشت انسان و ماهیت کشورها (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲۱۱). در مقابل لیبرال‌ها معتقدند اگرچه بی‌اعتمادی و افزایش میزان فریب‌کاری مانع عمده‌ای در راه همکاری بین‌المللی ایجاد می‌کند اما این بی‌نظمی‌ها مترادف با عدم همکاری نیست و امکان حصول همکاری بین‌المللی میان کشورهای خودپرست و منفعت‌طلب با ایجاد سازوکارها و راهبردهایی همچون سازمان ملل وجود دارد (همان). سازه‌انگاران نیز بر جنبه‌های ذهنی و شناختی مفهوم منازعه متمرکز می‌شوند و معتقدند درک و شناخت اینکه بازیگران چگونه منافع خود را پرورش می‌دهند برای تبیین پدیده منازعه حیاتی است (ونت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۳۲۵-۳۴۱).

### توازن قوا

در خصوص توازن قوا<sup>۳</sup> نظریه واحدی وجود ندارد. هر یک از نظریه‌های موجود، هسته‌ای از واقع‌گرایی را الهام گرفته که بر اساس آن، دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بوده که تحت فشار آنارشی، به طور عقلایی در پی افزایش قدرت یا امنیت خود هستند. از این دریچه، پیوند دو عامل قدرت و ترس، رفتار موازنه ساز را طبیعی می‌نماید. در این ساحت نظری، بقاء به‌عنوان مفهومی ذاتی در واحدهای سیاسی، نگرش آنان به قدرت‌یابی دیگر واحدها را متأثر ساخته و موجب ترس در بازیگران می‌شود. موازنه قوا نتیجه طبیعی این فرآیند است. بنابراین موازنه قوا پویای درون سیستمی است که تعادل، ثبات و دوام نظام را تضمین می‌کند (هنریش<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹: ۱۲-۲۳). از توازن قوا تعاریف

- 1 Conflict theory
- 2 Wendt
- 3 Balance of power
- 4 Henrichs



بسیاری شده است. دایره‌المعارف راتلج، موازنه قوا را توزیع میان کشورها، بیکربندی خاصی از توزیع، سیاست خارجی یا مجموعه‌ای از نظریات روابط بین‌الملل می‌داند (راتلج، ۲۰۱۶: ۱۴). مورگنتا<sup>۲</sup> آن را در چهار معنا به کار برده است: ۱-سیاست معطوف به وضعیتی خاص؛ ۲-توصیفی از هر نوع وضعیت واقعی در سیاست بین‌الملل؛ ۳-توزیع نسبتاً برابر قدرت؛ ۴-هر نوع توزیع قدرت (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۲۸۷).

با توجه به تعاریف فوق آن تعریفی از موازنه قدرت از مورگنتا که بر روی آن اتفاق نظر بیشتری وجود دارد، بدین شرح است: «تلاش برای جلوگیری از هژمونی یک کشور بر دیگر کشورها از رهگذر توزیع کنترل شده‌ی منابع قدرت شامل منابع نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناورانه». روشن است که در قالب چنین تعریفی، مقصود از مفهوم موازنه، نه معنای لغوی آن -که بر «سنجیدگی میان دو چیز و آن دو را باهم برابر کردن» دلالت دارد- بلکه اشاره به مجموعه راهبردها، رفتارها و نقش‌آفرینی‌هایی است که با نگاهی واقع‌گرایانه و منفعت‌محور و باهدف تأمین منافع دنبال می‌شود.

### محیط شناسی خلیج فارس

خلیج فارس نام آبراهی پراهمیت در آسیای غربی است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد.

درباره اهمیت اقتصادی منطقه خلیج فارس باید گفت که این منطقه جایگاه اساسی در بازار انرژی دنیا دارد. چهار کشور اول تولیدکننده نفت دنیا در این منطقه قرار دارند. کشورهای حاشیه خلیج فارس روزانه به‌طور متوسط ۱۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنند که این رقم معادل یک‌پنجم تقاضای جهانی نفت است که ۹/۵ میلیون بشکه در روز آن از سوی عربستان سعودی تأمین می‌شود (استاتیسنا، ۲۰۲۰).

به‌طور سنتی حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، از کشورهایی تشکیل شده است که به‌عنوان صادرکننده مواد خام و واردکننده فناوری شناخته می‌شوند و به لحاظ شاخص‌های فناورانه از مناطق متوسط جهانی محسوب می‌گردد. بر اساس شاخص نوآوری جهانی که توسط سازمان همکاری و

1 Routledge

2 Hans Morgenthau

3 Morgenthau

توسعه اقتصادی ارائه می‌شود و کشورها و مناطق جهان را بر اساس پیاده‌سازی یک محصول یا کالای جدید، فرایند فناورانه جدید، روش‌های بازاریابی جدید و فهم درک فناورانه پیشرفته رده‌بندی می‌کند، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا که حوزه ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس در آن قرار می‌گیرد در رده کشورهای متوسط به لحاظ پیشرفت‌ها و نوآوری‌های فناورانه قرار می‌گیرد. بر همین اساس امارات متحده عربی در صدر کشورهای حوزه‌ی ژئوپلیتیک خلیج‌فارس قرار گرفته و رتبه ۳۴ جهانی دارا است. (سارین، ۲۰۲۰: ۱۴).

### بازیگران فرا منطقه‌ای حوزه ژئوپلیتیک خلیج‌فارس

#### ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه

دولت آمریکا در ابتدای سال ۲۰۱۲ میلادی بازمینی جدید راهبرد دفاعی خود برای قرن ۲۱ را اعلام که بخش‌هایی از آن در رسانه‌ها اعلام گردید. یکی از مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در راهبرد مذکور تأکید بر انتقال تمرکز آمریکا از منطقه غرب آسیا و خلیج‌فارس به شرق آسیا و باهدف مهار توان رو به رشد چین در دو حوزه نظامی و اقتصادی بود. (ادو، ۲۰۱۸: ۱۶۱). منافع اقتصادی و همچنین تلاش برای «تجدید موازنه» بین سیاست‌های داخلی، خارجی و امنیتی، محرک اصلی سیاست پکن در خلیج‌فارس است. علاقه و تعامل روزافزون در حوزه خلیج‌فارس، بازتاب وابستگی فزاینده به منابع انرژی این منطقه و تلاش‌های چین برای «پیشروی به غرب» و آسیای میانه و ورای آن است. با آغاز طرح راه ابریشم جدید که شی جین پینگ در سپتامبر ۲۰۱۴ رسماً آن را اعلام کرد، استراتژی پکن در غرب آسیا چارچوب تلاش سفت‌وسخت و شدیداً جاه‌طلبانه برای ساخت یک کمربند راه ابریشم هوایی و راه ابریشم دریایی قرار گرفت که چین را به غرب آسیا و ماورای آن پیوند می‌دهد. اگرچه مقابله با ایالات متحده را نیز می‌توان به‌عنوان یک عامل محسوب نمود. (اسکوبل، ۲۰۱۵: ۱۵۶). حضور روسیه در حوزه خلیج‌فارس ریشه در مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی، نظامی و اقتصادی دارد. به لحاظ امنیتی روسیه به دنبال نوعی امنیت دسته‌جمعی در منطقه است. مقامات مسکو در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ زمانی که خطر حمله آمریکا به عراق شدت یافته بود پیشنهاد امنیت دسته‌جمعی را مطرح کرد، اما مسکو نتوانست حمایت کشورهای منطقه را از این طرح به دست آورد. در سال‌های

1 Sorien

2 Oddo

گذشته نیز وزارت امور خارجه روسیه از سندی تحت عنوان «دکترین امنیتی خلیج فارس» رونمایی کرد که در آن پیشنهادهایی در جهت تقویت اعتماد و شفافیت در منطقه و ایجاد سازمان منطقه‌ای در عرصه تأمین امنیت خلیج فارس مطرح شده بود. روسیه برای تقویت امنیت در خلیج فارس، عدم حضور نظامی کشورهای فرا منطقه‌ای و جلوگیری از تنش در جهت تأمین امنیت جمعی در منطقه این طرح را ارائه کرده است. مسکو از همه نقش آفرینان در منطقه، از جمله طرف‌هایی که با یکدیگر اختلافاتی دارند، می‌خواهد تا در جهت تقویت اعتماد متقابل و شفافیت، گام‌های مشخصی بردارند (کوژانوف، ۲۰۲۱).

### محیط کشور عربستان سعودی

عربستان سعودی در جنوب غربی آسیا واقع شده و از شمال به اردن، عراق و کویت، از شرق به قطر، خلیج فارس و امارات متحده‌ی عربی، عمان، از جنوب به یمن و از غرب به دریای سرخ محدود می‌گردد. عضویت در سازمان‌های مهم بین‌المللی سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، گروه ۲۰، گروه ۷۷، شورای همکاری خلیج فارس، اپک، سازمان تجارت جهانی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، صندوق بین‌المللی پول و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشور عربستان سعودی به واسطه دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ و داشتن یک چهارم ذخایر نفتی جهان از موقعیت ممتاز جغرافیایی برخوردار نموده است. کشور عربستان سعودی دارنده بزرگترین اقتصادهای غرب آسیا بوده و از اعضای مهم گروه G20<sup>۲</sup> می‌باشند و از رشد اقتصادی بالایی برخوردار است. طی دهه اخیر، کشور عربستان با بهره‌مندی از زیرساخت‌های عظیم به محل‌های خوبی برای سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شده و در همین سال‌ها این کشور شاهد جهش در فعالیتهای اقتصادی بوده و واردات و صادرات آن رشد دورقمی داشته است. خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد نیز یکی از رفرم‌هایی است که در این کشور به وقوع پیوسته است. (سایت بانک جهانی، ۲۰۱۹)<sup>۳</sup>

صدر عربستان با دارا بودن نیروی نظامی قوی (تارنمای گلوبال فایرپاور، ۲۰۱۷)، تولید سرانه ملی بالا، جمعیت جوان، عدم وجود دموکراسی، کمبود آب و خشکسالی، برخوردار از نقش رهبری مذهبی و نژادی، موقعیت راهبردی جغرافیایی، عضویت گسترده در سازمان‌های بین‌المللی، دارای توان تاثیرگذاری بین‌المللی است. (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۳۵؛ ولدانی، ۱۳۷۴: ۲۰۰).

1 Kozhanov

2 - Group 20

3- WWW.WORLD BANK.org

اقتصاد عربستان سعودی شدیداً به صادرات نفت که ۷۵ درصد از حجم صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد وابسته است. عربستان سعودی در منطقه‌ای نزدیک به دو مورد از شلوغ‌ترین گلوگاه‌های جهان هرمز و باب المندب واقع شده است. (فاطمی نسب، ۱۳۹۹: ۲۲۷)

### محیط جمهوری اسلامی ایران

ایران در جنوب غرب آسیا واقع شده است. ایران در سازمان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای سازمان ملل، سازمان همکاری اسلامی، اوپک، اکونم، دی ۸، جی ۱۵، جی ۷۷، صندوق بین‌المللی پول، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عضو ناظر سازمان تجارت جهانی، سازمان شانگهای، مجموعه کشورهای صادرکننده گاز و سازمان‌های تابعه سازمانی ملل عضویت دارد. از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران حلقه واسطه بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و موارد زیر است. (نوذری، ۱۳۹۱: ۶۸)

نیروی نظامی قوی و جمعیت جوان (تارنمای گلوبال فایرپاور، ۲۰۱۷)،

موقعیت راهبردی جغرافیایی، برخوردار از نقش رهبری مذهبی، دارای توان تأثیرگذاری بین‌المللی

گروه‌های مخالف دولت، تجزیه‌طلبان کرد، درگیری با سازمان مجاهدین خلق، شبه‌نظامیان سنی

در جنوب شرق، اختلاف با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، اختلاف سرزمینی با امارات عربی

متحده، تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی (انستیتو تحقیقات بین‌المللی هایدلبرگ، ۲۰۱۷)

ایران بزرگ‌ترین منابع انرژی را از نظر ذخایر نفت و گاز طبیعی در جهان دارد. در رتبه‌بندی

جهانی ایران رتبه دوم در ذخایر گاز و چهارم در ذخایر نفتی را دارد. ایران همچنین بین ۱۰ کشور

برتر تولیدکننده نفت و ۵ کشور برتر تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است. ایران روزانه ۳/۲ میلیون

بشکه نفت خام در سال ۲۰۱۳ تولید می‌کند. تولید گاز طبیعی نیز در این کشور ۵/۶ تریلیون فوت

مربع در روز بر اساس آمار در سال ۲۰۱۲ است. (فاطمی نسب، ۱۳۹۹: ۲۲۴)

تنگه هرمز در سواحل جنوبی ایران مهم‌ترین کانال صادرات و واردات برای ایران و سایر

کشورهای حوزه خلیج فارس به شمار می‌آید. (سازمان اطلاعات انرژی، ۲۰۱۴). در یک نگاه جمع

بندی وضعیت دو کشور شده به شرح جدول زیر است:

ردیف	شاخص	جمهوری اسلامی ایران	عربستان سعودی	منبع
۱	رتبه رده‌بندی بر اساس بودجه تحقیقاتی در خلیج فارس	۵	۲	بانک جهانی، ۲۰۲۰
۲	رتبه رده‌بندی بر اساس بودجه تحقیقاتی جهانی	۶۴	۴۶	بانک جهانی، ۲۰۲۰
۳	رتبه رده‌بندی بر اساس شاخص نوآوری در خلیج	۳	۲	شاخص نوآوری

فارس			جهانی، ۲۰۲۰
۴	رتبه رده‌بندی بر اساس شاخص نوآوری جهانی	۶۷	۶۶ شاخص نوآوری جهانی، ۲۰۲۰
۵	بودجه نظامی بر اساس نسبت GDP	۲/۲	۷/۱ موسسه بین‌المللی صلح استکهلم، ۲۰۲۱
۶	قدرت نظامی در حوزه خلیج فارس	۱	۲ گلوبال فایر پاورز، ۲۰۲۱
۷	سهم درآمدهای نفتی در GDP (درصد)	۲۰/۴۱	۴۲ بانک جهانی، ۲۰۲۰
۸	ذخایر گاز طبیعی (۹۷۱ تریلیون فوت مکعب)	۹۷۱	۲۴۱ اوپک
۹	درصد از کل ذخایر جهانی ذخایر طبیعی	۱۵/۹	۳/۹ اوپک

جدول شماره ۱: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عربستان

### چارچوب نظری تحقیق

تعارض ژئوپلیتیکی کشورها در نسبت با برخی از عوامل ژئوپلیتیک آن‌ها قرار دارد که می‌تواند برای آنان به‌طور هم‌زمان تهدیدات و یا بالعکس فرصت‌هایی را ایجاد کند. در این تحقیق با در نظر گرفتن عوامل ژئوپلیتیکی که در بخش مفاهیم عنوان شد (عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل نظامی و عوامل فناورانه) با ترکیبی از نظریات منازعه و توازن قوا به تعیین تعارضات ژئوپلیتیکی عربستان و ایران در خلیج فارس پرداخته و با نگاهی مبتنی بر ژئوپلیتیک انتقادی، تعارضات موجود در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس که می‌تواند منجر به واگرایی دو کشور شود را مورد واکاوی قرار داده است. همچنین عوامل ژئوپلیتیک یادشده با توجه به مقاله افشردی (۱۳۸۶: ۷) هرکدام دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که آن زیر مجموعه‌ها هم ملاک تعیین شاخص های عوامل کلان لحاظ شده است.

### روش و نوع تحقیق:

نوع تحقیق کاربردی، توسعه ای و رویکرد این تحقیق آمیخته (کمی و کیفی) است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. در این پژوهش به لحاظ تخصصی بودن موضوع مورد تحقیق جامعه آماری آن با روش دلفی در دو گروه نخبگان و صاحب نظران به شرح زیر به تعداد ۳۶ نفر مشخص گردیده است:

الف. خبرگان: این افراد شامل خبرگان نظامی و اساتید برجسته کشور در حوزه‌های دفاعی، سیاسی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل دارا بودن تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در ردیف‌های پیش‌گفته و موضوع تحقیق و همچنین منتصب

در مشاغل راهبردی و جایگاه ۱۹ و بالاتر باشند تعداد این افراد ۱۲ نفر بوده و جهت انجام مصاحبه تخصصی با آنان، اعتبار پژوهش و استخراج داده‌های حاصل از تجارب کاری و عملیاتی مرتبط مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ب. صاحب‌نظران: برای انتخاب جامعه آماری صاحب‌نظران ابتدا فهرستی از افراد موردنظر را آماده و سپس با لحاظ نمودن ویژگی‌های از قبیل مدرک تحصیلی حداقل فوق‌لیسانس، آشنایی با حوزه خلیج فارس، حیطه کاری و مسئولیتی داشتن، تألیف یا مقاله و تحقیق در زمینه کشورهای حوزه خلیج فارس، تعداد افراد واجد شرایط به تعداد ۲۴ نفر مشخص گردیده‌اند. در این تحقیق با توجه به اینکه جامعه آماری کمتر از یک صد نفر می‌باشد لذا جامعه نمونه همان جامعه آماری می‌باشد و با استفاده از روش تمام شمار به تمام اعضاء جامعه مراجعه شده است.

دو روش برای گردآوری اطلاعات لازم برای انجام تحقیق در نظر گرفته شده است که عبارتند از: الف. کتابخانه‌ای: در این روش تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اصول و روند رشد، وضعیت فعلی و چگونگی تعامل و روابط دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

ب. میدانی پیمایشی: در این روش محقق حوزه مورد نظر را به صورت مستقیم و غیر مستقیم و از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار داده است. برای احصای عوامل ژئوپلیتیکی در دو مرحله پرسشنامه توزیع که، در مرحله نخست عوامل احصاء شده از انجام تحقیق به منظور اطمینان از ژئوپلیتیکی بودن آنها به منظور تعیین میزان واگرایی دو کشور ایران و عربستان به جامعه خبره ارائه و بعد از اصلاحات لازم پرسشنامه دوم تهیه و به جامعه نمونه تقدیم گردیده است.

پرسشنامه اول با توجه به ارائه آن به خبرگان از روایی و پایایی برخوردار بوده و پرسشنامه دوم از طریق محاسبه آلفای کرونباخ با مقدار ۰.۹۱۲ و همچنین ضریب لاوشه، به میزان ۰/۸۲۷ از پایایی و روایی بالایی برخوردار می‌باشد، به منظور تعیین میزان ایجاد واگرایی عوامل ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان از آزمون تی استیودنت یک نمونه ای و میانگین‌ها، جداول توزیع فراوانی به میزان تأثیر هر یک از عوامل ژئوپلیتیکی بر ایجاد واگرایی بین دو کشور استفاده شده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از لحاظ شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق، روش پژوهش توصیفی تحلیلی است که در آن پس از مطالعه ادبیات موضوع به تدوین مباحث نظری متغیرهای

ژئوپلیتیکی بعنوان مبانی استدلال پرداخته شده است و با شناخت و توصیف متغیرهای ژئوپلیتیکی مربوط به حوزه خلیج فارس مبتنی بر دو کشور عربستان و ایران کارکرد آنها را مشخص و به عنوان عوامل تاثیر گذار در واگرایی دو کشور ارائه شده است. در جهت اجرای تحقیق ابتدا پرسشنامه‌ای براساس یافته‌های مطالعات نظری و محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی به منظور تایید عوامل با ۱۸ سؤال بسته تنظیم و به جامعه خبره ارائه گردید. پس از اخذ نظرات و اعمال تصحیحات لازم، مجدداً پرسشنامه‌ای برای تعیین عوامل ژئوپلیتیک واگرایی دو کشور ایران و عربستان در طیف سه گزینه‌ای لیکرت با ۲۰ سؤال بسته طراحی و به عنوان پرسشنامه دوم به جامعه صاحب نظر ارائه که نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون تی استیودنت یک نمونه ای و با استفاده از درصد تاثیر خیلی زیاد سنجیده گردید؛ (دو گزینه متوسط و خیلی کم، در این تحقیق مد نظر گرفته نشده است) با این توصیف اگر درصد اثرگذاری عاملی در یک بستر بزرگتر از معیار آزمون ۵۰ درصد باشد آن عامل به عنوان عامل واگرایی دو کشور تاثیر گذار است.

از آنجایی که توزیع داده‌ها به صورت نرمال است بنا بر این از آزمون میانگین‌ها با شاخص توزیع نرمال استاندارد تی استیودنت استفاده شده است. در این آزمون برخی از عوامل از نظر آماری بر همگرایی دو کشور تاثیر خیلی زیاد دارند و نیز تعدادی از عوامل در تاثیر معنی داری ندارند لازم به ذکر است که غربال این عوامل با استفاده از آزمون درصد تاثیرگذاری خیلی زیاد آنها بر واگرایی دو کشور لحاظ و تنها با این گزینه انتخاب می‌شوند ولی با استفاده از آزمون میانگین‌ها عواملی با تاثیرگذاری پایین تر نیز ممکن است از نظر آماری تاثیر گذار شناخته شوند، به همین منظور در مرحله دوم، با بهره گیری از آزمون میانگین‌ها نتایج مورد ارزیابی قرار گرفته که چنانچه آماره‌ی آزمون به دست آمده بیشتر از ۱. ۶۴۵ (دنباله بالایی توزیع نرمال استاندارد در سطح ۰.۰۵) باشد از نظر آماری عامل موثر است و در غیر این صورت با وجود داشتن میانگینی بزرگتر از ۳ در گروه عوامل موثر قرار نمی‌گیرند، عوامل ژئوپلیتیکی کشور عربستان و ایران بر اساس آزمون ذکر شده به دو گروه عوامل موثر بر واگرایی دو کشور و عوامل غیر موثر (از نظر آماری) تفکیک می‌شوند، که عوامل تاثیر گذار نیز برای تعیین میزان تاثیر بر مبنای گروه بندی آماری آماره‌های آزمون (جدول توزیع فراوانی آماره‌ها) تفاوت بالاترین و پایین ترین آماره (گزینه خیلی زیاد) مورد پردازش آماری قرار گرفته که نتایج حاصله به شرح زیر می‌باشد.

الف- تحلیل عاملهای مرتبط با کلان عامل ژئوپلیتیکی سیاسی به شرح زیر است:

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
۱	حضور فعال و نفوذ چشم گیر ایران در برخی کشورهای منطقه	۴۳.۴	۸۱.۰	۳۹.۱۴
۲	قرار داشتن ایران در کانون توجهات ژئوپلیتیک جهانی با توجه به داخل شدن به نظم نوین جهانی	۴۲.۴	۸۱.۰	۳۷.۱۴
۳	درک ایران از افول قدرت در غرب و تعامل بیشتر با شرق	۲۲.۴	۷۱.۰	۳۰.۱۴
۴	نقش آفرینی قدرت های فرا منطقه ای و تأثیرگذاری آن ها در منطقه	۱۴.۴	۷۰.۰	۲۲.۱۴
۵	فعالیت تقابل گرایانه در ایران متناسب با عملکرد دولت عربستان	۱۰.۴	۷۰.۰	۲۰.۱۴
۶	نگاه سیاسی عربستان به ایجاد قدرت مبتنی بر منافع بدون توجه به مسائل ایدئولوژیکی و ترویج اسلام غیر سیاسی	۰۹.۴	۶۹.۰	۱۱.۱۴
۷	نبود دموکراسی در عربستان و نگرانی حکومت عربستان از این منظر	۰۸.۴	۶۹.۰	۰۰.۱۴

جدول شماره ۲: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی سیاسی با میزان تاثیر خیلی زیاد

ب- تحلیل عاملهای مرتبط با کلان عامل ژئوپلیتیکی اقتصادی به شرح زیر است:

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
۱	روابط اقتصادی ایران با چین، روسیه و قرار گرفتن ایران در جاده ابریشم	۱۱.۴	۷۲.۰	۲۲.۱۳
۲	مدیریت بازارهای انرژی (به خصوص گاز) توسط ایران و عربستان	۰۲.۴	۷۹.۰	۱۲.۱۳
۳	حجم بالای منابع انرژی در دو کشور و ایجاد رقابت بین آنها	۰۰.۴	۷۰.۰	۰۸.۱۳
۴	وجود شرکای تجاری غربی در عربستان	۰۰.۴	۵۲.۰	۰۴.۱۳
۵	تعامل مخفیانه اقتصادی عربستان با رژیم اشغالگر قدس	۰۰.۴	۵۰.۰	۰۰.۱۳

جدول شماره ۳: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی اقتصادی با میزان تاثیر خیلی زیاد

ج- تحلیل عاملهای مرتبط با کلان عامل ژئوپلیتیکی فناورانه به شرح زیر است:

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
------	-------	---------	--------------	-------------



ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
۱	توان جمهوری اسلامی ایران در زمینه توسعه فناوریهای جدید	۶۳.۴	۸۲.۰	۷۰.۱۳
۲	توسعه فناوریهای جدید در عربستان با استفاده از ظرفیت کشورهای سلطه جو	۲۲.۴	۸۰.۰	۶۹.۱۳
۳	توسعه فناوریهای جدید در عربستان با استفاده از ظرفیت کشور اشغالگر قدس	۰۸.۴	۷۴.۰	۱۲.۱۳

#### جدول شماره ۴: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی فناورانه با میزان تاثیر خیلی زیاد

د- تحلیل عاملهای مرتبط با کلان عامل ژئوپلیتیکی نظامی به شرح زیر است:

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
۱	افزایش مداوم توان و تسلیحات نظامی دو کشور	۸۰.۴	۳۸.۱	۴۲.۱۴
۲	آمار بالای نیروی نظامی آماده و توانمند در ایران	۷۴.۴	۲۸.۱	۱۳.۱۴
۳	ایجاد توازن دفاعی بین دو کشور	۴۲.۴	۱۱.۱	۱۲.۱۴
۴	همکاری دفاعی - امنیتی عربستان با آمریکا و رژیم اشغالگر قدس	۱۱.۴	۱	۸۰.۱۳

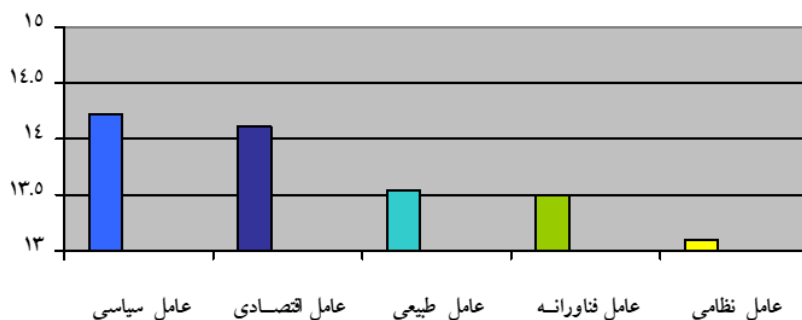
#### جدول شماره ۵: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی نظامی با میزان تاثیر خیلی زیاد

ه - تحلیل عاملهای مرتبط با کلان عامل ژئوپلیتیکی طبیعی به شرح زیر است:

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون
۱	موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و رفابت برای تسلط بر آن	۳۲.۴	۰۸.۱	۷۸.۱۳
۲	وجود تنگه هرمز و تسلط قدرتمند ایران در کنترل آن	۲۴.۴	۱۲.۱	۵۲.۱۳
۳	افزایش مشکلات زیست محیطی در منطقه و کاهش منابع	۱۱.۴	۱۱.۱	۲۹.۱۳

#### جدول شماره ۶: وضعیت عوامل ژئوپلیتیکی طبیعی با میزان تاثیر خیلی زیاد

با توجه به جداول بالا از تعداد ۲۰ عامل تعداد ۱۶ عامل در آماره آزمون پذیرفته شده قرار گرفته که در همین جهت با در نظر گرفتن میانگین آماره های آزمون، عامل سیاسی با ۱۴/۲۲، عامل نظامی با ۱۴/۱۱، عامل طبیعی با ۱۳/۵۳، عامل فناورانه با ۱۳/۵۰ و عامل اقتصادی با ۱۳/۰۹ به ترتیب به عنوان عوامل اولویت دار واگرایی ایران با عربستان به شرح نمودار زیر مشخص شده است. در ضمن شاخص های این عوامل نیز به شرح جداول بالا اولویت بندی می گردند.



نمودار شماره ۱: وضعیت عوامل اولویت دار واگرایی ایران با عربستان

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه جهان امروز از نظام دو یا تک قطبی در حال گذر بوده و کشورهای مختلف در پی آن هستند که در نظم جدید موقعیت خود را تثبیت نموده و از قدرت مناسبی برای نقش آفرینی برخوردار گردند فلذا این مهم با درک درستی از اتفاقات جهانی توأم است. دنیای آینده فضای جدیدی را برای کشورها فراهم می‌کند و مسلماً بسیاری از روابط دستخوش تغییرات شده و دشمنی‌ها به تعامل و تعاملات ممکن است به چالشهای جدیدی منجر شود.

منطقه غرب آسیا به خصوص حوزه خلیج فارس که از دیرباز نقش مهمی را در فضای ملی کشورهای منطقه و بین‌المللی ایفا نموده در آینده نیز از همین اهمیت برخوردار است و طبیعتاً کشورهای آن حوزه درصدد خواهند برآمد از موقعیت جدید نهایت بهره را ببرند. در این میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه ای از این مورد جدا نبوده و از آنجایی که این دو کشور از ظرفیت‌های سرشاری برای نقش آفرینی آن هم نه فقط در حوزه منطقه ای بلکه در حوزه جهانی برخوردار هستند می‌طلبند با بازنگری در روابط پر از نشیب و فراز خود و با درک موقعیت موجود اراده خود را بر محور رفع واگرایی‌ها قرار دهند، تا مسیر تعامل هموارتر، و فضای بهرمندی از شرایط گذار برای تامین اهداف ملی دو کشور مهیا شود.

این پژوهش با طرح سوالی با موضوعیت شناخت عوامل واگرایی دو کشور ایران و عربستان مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی در صدد برآمد تا این عوامل واگرا را به صورت یک تحقیق علمی شناسایی نماید.

برای جوابگویی به سوال تحقیق به استناد نظریات توازن قوا و منازعه و براساس کلان عوامل ژئوپلیتیکی سیاسی، اقتصادی، فناورانه، طبیعی و نظامی نسبت به تحلیل دو کشور در حوزه خلیج فارس در قالب ادبیات تحقیق اقدام که نهایتاً بعد از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به ترتیب اولویت، کلان

عامل سیاسی باهفت زیر عامل، نظامی باچهار زیر عامل طبیعی با سه زیر عامل، فناورانه با دو زیر عامل و اقتصادی با پنج زیر عامل از مهمترین عوامل ایجاد واگرایی بین دو کشور مشخص شدند.

نتایج پژوهش موید آن است که دو کشور با اراده لازم بایستی در درجه اول با دیپلماسی واقع بینانه سیاسی و درک محیط واقعی به جای توجه به محیط ادراکی روابط خود را با رفع تضادهای موجود گسترش داده و با استفاده از ظرفیتهای درونی نسبت به افزایش نفوذ مشترک در حوزه خلیج فارس اقدام نمایند بدیهی است افزایش این روند می تواند منجر به همکاریهای بیشتری در زمینه های دیگر گردد.

#### پیشنهادها:

۱- در این پژوهش چگونگی واگرایی جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان تعیین شده است لذا تصمیم گیران و تصمیم سازان راهبردی کشور از نتایج بدست آمده در تدوین سیاستهای کشور برای کاهش نقش این واگرایی ها با تعامل مناسب با عربستان استفاده نمایند.

۲- در زمینه کم شدن واگرایی دو کشور در خصوص رقابت در بازارهای انرژی به خصوص گاز و ایجاد منفعت مشترک در این زمینه تصمیم گیران با انجام تلاشهای لازم زمینه را در ساختارهای جهانی برای تشکیل اوپک گازی مهیا نمایند.

۳- با توجه به علاقمندی عربستان به نفوذ در بازار آسیای میانه، نهادهای دست اندرکار اقتصادی می توانند با توجه به ظرفیت های موجود با ایجاد صنایع تبدیلی در مسیر ترانزیت داخل جمهوری اسلامی ایران امکان اقتصادی خوبی را برای ایجاد منفعت مشترک برای دو کشور فراهم نموده و واگرایی ژئوپلیتیکی این زمینه را به همگرایی مبدل نمایند.

۴- در راستای ارتقای کنش های سیاسی و اقتصادی مسئولین دفاعی نسبت به گسترش مناسبات دفاعی به خصوص در حوزه فناوریهای نوین با عربستان در راستای سیاست تامین امنیت منطقه ای بدون حضور بیگانگان اقدام نموده به طوریکه ایجاد توازن قوا در هر دو کشور برای ایجاد امنیت در منطقه خلیج فارس قلمداد گردد.

۵- نسبت به انجام پژوهشهای لازم برای تدوین راهبردهای کاهش واگرایی دو کشور مستند به نتایج حاصله توسط محققین دست اندرکار اقدام شود.

## منابع

- ازغندی، علیرضا و آقا علیخانی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)، سیاست، ۴۳(۲)، ۲۲۵-۲۴۳.
- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۴). مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). طرح‌ریزی راهبرد نظامی در صحنه جنگ و عملیات، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- بوالحسنی، خسرو و کمالی، محمدرضا (۱۳۹۴). فرصت‌ها و قوت‌های ژئوپلیتیکی موثر در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۳(۵۹)، ۷۳-۹۶.
- تارنمای آژانس مرکزی اطلاعات ایالات متحده (۲۰۱۷). کتاب حقایق جهان، جنوب غرب آسیا
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴). تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس. تهران: نشر قومس.
- حافظنیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم (۱۳۹۶). تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا، تحقیقات جغرافیایی، ۳۲(۱۲۵)، ۹-۲۰.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم و احمدی، فرزاد (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل منازعات میان ایران و عربستان (مطالعه موردی: یمن)، آمایش سیاسی فضا، ۱۵(۱)، ۱-۱۱
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی
- خلیلی، حسین (۱۳۹۰). امنیت در خلیج فارس (اولویت‌ها و راهکارها)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا از منظر نو کارکردگرایی، مطالعات راهبردی، ۱۲(۱۲)، ۱۴۳-۱۶۵.

ریوندی، رضا (۱۳۹۸). ارائه الگوی ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه با تأکید بر نیازهای امنیتی-دفاعی، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

ژناروید، اتوتایل؛ سمیمون، دالی و پاول، روتلج (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران، وزارت امور خارجه.

ساروی، الهام (۱۳۹۷). سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران، نشر میزان.

صفوی، سید یحیی (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک خلیج فارس و جریان انرژی، جغرافیای انسانی، ۲(۲)، ۲۵-۴۶.

صیادی، هادی، سنایی، اردشیر (۱۳۹۶). عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۶، مطالعات بین‌الملل، ۱۰(۳۹)، ۸۳-۱۱۷.

فاطمی نسب، علی (۱۳۹۹). طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

فارسی علی آبادی، محمد مهدی و دشتبانی، یاور (۱۴۰۲). ریسک ژئوپولتیک، نااطمینانی اقتصادی و تغییر رژیم تولید نفت؛ مطالعه موردی ایران و عربستان سعودی. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، <https://doi.org/10.22054/jiee.2023.73675.2006>

کمالی، محمدرضا (۱۳۹۳). عوامل ژئوپلیتیک عربستان موثر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اروپا آمریکا / مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹). ایران، عربستان؛ مقتضیات تازه، پروژه تحقیقاتی، تهران.

مورگنتا، هانس (۱۳۸۹). سیاست میان ملت‌ها؛ تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

نوذری، فضل‌الله (۱۳۹۱). تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

نورمحمدی، مرتضی و سیفی، آناهیتا (۱۳۹۸). بنیان‌های فرهنگی منازعه ایران و عربستان، ژئوپلیتیک، ۱۵(۵۶)، ۱۸۱-۱۶۳.

Danilin, IV (2018), Emerging technologies and their impact on international relations and global security [Internet], Stanford: Hoover Institution

- Henricsh, Nathan (2019), "The Corinthian Thesis: The Oratorical Origins of the Idea of the Balance of Power in Herodotus, Thucydides, and Xenophon", *International Studies Quarterly*. 62 (4): 857–866.
- Jones, Clive, Guzansky, Yoel (2020), *Fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchies*, Oxford University Press.
- Kozhanov, Nicolay (2021), "Diversifying relationships: Russian policy toward GCC", *International Politics*.
- Ladis, Erick (2018), *the origins and evolution of geopolitics*, Chicago: University of Chicago Press.
- Odo, Joseph (2018), "In Iraq Attack, a Rudimentary Insurgent Tactic Allows Little Defense", *the New York Times*.
- Rodhun, Gearoid (2018), "Critical geopolitics: the politics of writing global space", London: Routledge.
- Sanders, Paul (2019), "Functionalism: The approach of David mMitrany". in A. J. R Groom & Paul Taylor, *Framework*.
- Schmitter, Philippe (2018), "Neo-Functionalism as a Theory of Disintegration", *European University Institute*.
- Scoble, Nicole (2015), "The long game China's grand strategy to displace Scoble, Nicole (2015), "The long game China's grand strategy to displace Sorien, Pengfei (2020), "Estimation of the Heat and Water Budgets of the Persian (Arabian) Gulf Using a Regional Climate Model", *Journal of Climate*. 28 (13): 10-43.
- Sorien, Pengfei (2020), "Estimation of the Heat and Water Budgets of the Persian (Arabian) Gulf Using a Regional Climate Model", *Journal of Climate*. 28 (13): 10-43
- Twoetil, Indra (2019), "The geopolitics of renewable energy: Debunking four emerging myths", *Energy Research & Social Science*. 49: 36–40.
- Wendt, A. (1992), "Agent-Structure Problem in International Relations Theory," *International Organization*. 41-3 (summer):335-70.